

روندهای جهانی و سناریوهای آینده

در گزارش شورای اطلاعات ملی ایالات متحده

(خلاصه راهبردی)

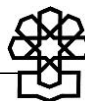
معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۲۶۰
شماره مسلسل: ۱۶۸۵۷
دی‌ماه ۱۳۹۸

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	بخش اول - روندهایی که چهره جهان را تغییر می‌دهند
۸.....	بخش دوم - در آینده نزدیک تنش‌ها افزایش می‌یابد
۱۱.....	بخش سوم - سه سناریو برای آینده دور: جزیره‌ها، مدارها، اجتماعات
۱۸.....	بخش چهارم - آنچه سناریوها به ما می‌آموزند: تقویت فرصت‌ها با انعطاف‌پذیری
۲۰.....	بخش پنجم - روندهای مناطق مختلف جهان در پنج سال آینده (۲۰۲۲-۲۰۱۷)
۲۹.....	بخش ششم - روندهای کلیدی جهانی
۳۸.....	منبع و مأخذ



روندهای جهانی و سناریوهای آینده
در گزارش شورای اطلاعات ملی ایالات متحده
(خلاصه راهبردی)

چکیده^۱

شورای اطلاعات ملی ایالات متحده^۲ هر چهار سال یک بار ارزیابی جامعی را پیرامون نیروها و گزینه‌های شکل‌دهنده جهان در ۲۰ سال پیش رو انجام می‌دهد. در این مجموعه گزارش‌ها فرض‌ها، انتظارات و ابهامات راجع به آینده بازبینی می‌شود. ششمین گزارش از این مجموعه با نام «روندهای جهانی: پارادوکس پیشرفت»^۳ در ژانویه ۲۰۱۷ منتشر شده است. در این گزارش از پایان یافتن سلطه ایالات متحده و نظم بین‌المللی کنونی سخن به میان می‌آید که به علت اختلاف کشورها در مورد نقش حکمرانی در اقتصاد، محیط زیست، دین، امنیت و حقوق اشخاص بروز پیدا می‌کند. همچنین سه سناریو برای واکنش‌های مختلف در آینده دور به نوسانات کوتاه‌مدت در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح می‌شود: جزیره‌ها، مدارها و اجتماعات. سناریوی «جزیره‌ها» بر چالش‌های دولت‌ها در تأمین نیازهای جوامع و احتمال اتخاذ سیاست‌های حمایتی تأکید

۱. گزارش شورای اطلاعات ملی قبل از خروج آمریکا از برجام تهیه شده است.

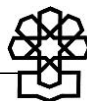
2. National Intelligence Council (NIC)

3. Global Trends: The Paradox of Progress

دارد. سناریوی «مدارها» آینده تنش‌هایی را بررسی می‌کند که در نتیجه رقابت میان قدرت‌های اصلی برای افزایش حوزه تأثیر و حفظ پایداری داخلی ایجاد می‌شوند. این سناریو به بررسی این موضوع می‌پردازد که روندهای ملی‌گرایی نوظهور، الگوهای متغیر نزاع، فناوری‌های نوین و کاهش همکاری‌های بین‌المللی ممکن است به افزایش خطر جنگ میان کشورها منجر شود. سناریوی «اجتماعات» نشان می‌دهد چگونه رشد انتظارات عمومی و تضعیف ظرفیت حکومت‌های ملی، فضا را برای دولت‌های محلی و فعالان خصوصی باز می‌کند که تعریف‌های سنتی حکمرانی را به چالش خواهد کشید. در گزارش شورای اطلاعات ملی ایالات متحده، همچنین به روندهایی اشاره می‌شود که چهره جهان را تغییر خواهند داد. از جمله پیر شدن کشورهای ثروتمند، جابجایی اقتصاد جهانی، پیشرفت فناوری، سخت‌تر شدن حکمرانی، تغییر ماهیت جنگ و نزاع، تغییر اقلیم. شایان ذکر است که در بخش‌های گوناگون گزارش مذکور از ایران در کنار برزیل، چین، هند، اندونزی، مکزیک و ترکیه به‌عنوان کشوری یاد می‌شود که به سبب پیشرفت اقتصادی به دنبال قدرت و نفوذ بیشتر است. در ادامه خلاصه‌ای از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در این گزارش آمده است.

مقدمه

دستاوردهای عصر صنعت و عصر اطلاعات، جهانی را شکل داده‌اند که از قبل ثروتمندتر و البته خطرناک‌تر است. نویدبخشی یا زیانبار بودن آن به گزینش‌های خود انسان بستگی دارد. براساس پیش‌بینی‌های پنج سال آینده (یعنی از ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲) شاهد بروز تنش‌هایی در داخل کشورها و میان کشورها خواهد بود. چشم‌انداز جهانی جدید به سوی



پایان یافتن سلطه آمریکایی پیش می‌رود و شاید نظم بین‌المللی قاعده‌مندی که پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت نیز رو به پایان باشد. این بحران در همکاری میان کشورها، از اختلافات بین‌المللی پیرامون نقش حکمرانی در اقتصاد، محیط زیست، دین، امنیت و حقوق اشخاص ناشی می‌شود. جنگ‌های نیابتی ایالات متحده و شوروی به‌ویژه در ویتنام و افغانستان، منادی نزاع‌های پس از جنگ سرد و درگیری‌های کنونی در خاورمیانه، آفریقا و جنوب آسیا بوده‌اند. تهدید تروریسم در دهه‌های پیش رو افزایش خواهد یافت؛ زیرا افراد و گروه‌های بیشتری از فناوری‌ها، ایده‌ها و روابط جدید به سود خود بهره خواهند برد. چین و روسیه جسورتر خواهند شد، اما در عین حال مخالفان منطقه‌ای و فعالان غیرحکومتی نیز راه‌هایی برای رسیدن به هدف‌های خود پیدا می‌کنند.¹

سه سناریوی که در «*روندهای جهانی: پارادوکس پیشرفت*» مطرح شده‌اند بر واکنش‌های مختلف به نوسانات کوتاه‌مدت در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارند. سناریوی اول با نام «*Islands*» (جزیره‌ها) نوعی بازسازی اقتصاد جهانی را بررسی می‌کند که به دوره‌های طولانی رشد پایین می‌انجامد و الگوهای سنتی رفاه اقتصادی و ادامه داشتن جهانی‌سازی را به چالش می‌کشد. این سناریو بر چالش‌های دولت‌ها در تأمین نیازهای جوامع و احتمال اتخاذ سیاست‌های حمایتی تأکید دارد. سناریوی دوم با نام «*Orbits*» (مدارها) آینده تنش‌هایی را بررسی می‌کند که در نتیجه رقابت میان قدرت‌های اصلی برای افزایش حوزه تأثیر و حفظ پایداری داخلی ایجاد می‌شوند. این سناریو به بررسی این موضوع می‌پردازد که روندهای ملی‌گرایی نوظهور، الگوهای متغیر

1. National Intelligence Council, *Global Trends: The Paradox of Progress*, January 2017, www.dni.gov/nic/globaltrends, pp.ix-x

نزاع، فناوری‌های جدید و کاهش همکاری‌های بین‌المللی ممکن است به افزایش خطر جنگ میان کشورها منجر شود. سناریوی سوم با نام «Communities» (اجتماعات) نشان می‌دهد چگونه رشد انتظارات عمومی و تضعیف ظرفیت حکومت‌های ملی فضا را برای دولت‌های محلی و فعالان خصوصی باز می‌کند که تعریف‌های سنتی حکمرانی را به چالش خواهد کشید. اطلاعات در این زمینه نقش اصلی را بازی خواهد کرد. پارادوکس پیشرفت بدین معناست که روندهایی که خطرات کوتاه‌مدت ایجاد می‌کنند، همچنین می‌توانند برای پیامدهای بهتر در بلندمدت فرصت‌هایی بیافرینند.^۱

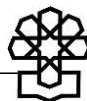
بخش اول – روندهایی که چهره جهان را تغییر می‌دهند

در تحلیل آینده با یک پارادوکس روبه‌رو هستیم: همان روندهایی که آینده نزدیک را علی‌رغم پیشرفت‌های چند دهه اخیر تاریک و دشوار ترسیم می‌کنند، در درون خود متضمن فرصت‌هایی برای گزینه‌هایی هستند که به آینده‌هایی امیدبخش‌تر و امن‌تر منجر می‌شوند. در ادامه به برخی از این روندهای کلیدی اشاره می‌شود که ماهیت قدرت، حکمرانی و همکاری را دگرگون خواهند کرد.

- **پیر شدن کشورهای ثروتمند:** جمعیت جهان در آینده بیشتر، پیرتر و شهرنشین‌تر خواهد شد. جمعیت جهان در سال ۲۰۳۵ طبق تخمین‌ها ۸/۸ میلیارد نفر خواهد بود. جمعیت بیشتر هم فرصت ایجاد می‌کند و هم تهدید که به شیوه حکمرانی بستگی دارد.^۲

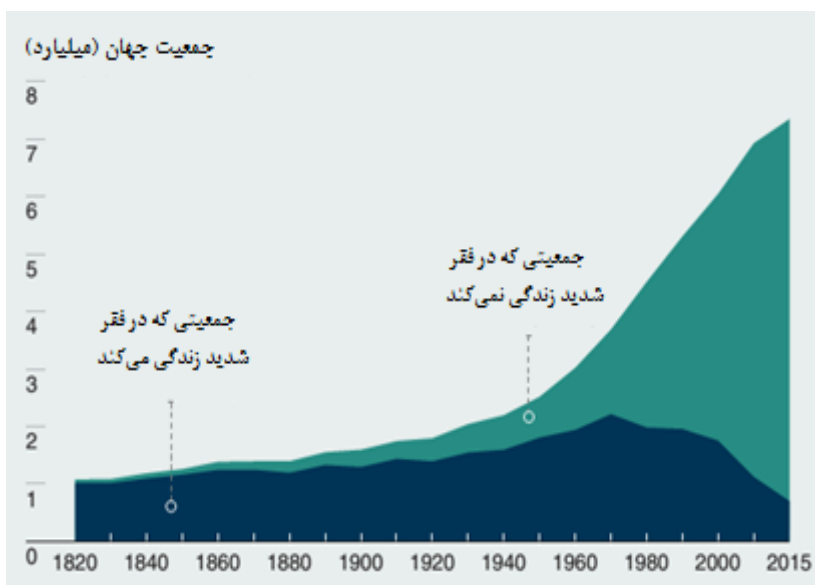
1. *Ibid*, pp. x-xi.

2. *Ibid*, p.8.



- **جابه‌جایی اقتصاد جهانی:** کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه تحت فشار خواهند بود تا خدمات، بخش‌ها و شغل‌های جدیدی را برای جایگزینی شغل‌های تولیدی تعریف کنند، شغل‌هایی که در اثر اتوماسیون و فناوری‌های دیگر از میان خواهند رفت. این کشورها همچنین باید با توجه به این تغییرات آموزش‌های لازم را به کارگران بدهند.^۱

شکل ۱. جمعیتی که در فقر شدید زندگی می‌کند، ۱۸۲۰-۲۰۱۵^۲



1. **Ibid**, p.11.
2. **Ibid**.

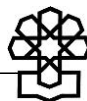
- **فناوری:** فناوری پیشرفت را شتاب می‌بخشد، اما موجب ناپیوستگی‌هایی نیز خواهد شد. هوش مصنوعی، رباتیک، زیست‌فناوری، منابع نامتعارف انرژی، تغییر تعریف انسان، اینترنت اشیا، رمزارزها.^۱
- **ایده‌ها و هویت‌ها:** ایده‌ها و هویت‌ها موجی از جدا شدن از جامعه ایجاد می‌کند. دین کماکان موضوعی تعیین‌کننده در جامعه خواهد بود.^۲
- **حکمرانی:** حکمرانی سخت‌تر می‌شود. شیوه حکمرانی امری سیال و در حال دگرگونی است. در آینده شاهد کاهش اعتماد به حکومت‌ها و افزایش پوپولیسم خواهیم بود. نهادهای موجود باید با موضوعاتی کاملاً جدید همانند دستکاری ژنوم، هوش مصنوعی و ارتقای انسان دست‌وپنجه نرم کنند، زیرا تغییر فناوری همچنان از توانایی حکومت‌ها، نهادهای و سازمان‌های بین‌المللی برای تعیین معیارها، سیاست‌ها، هنجارها و مقررات جلوتر خواهد بود.^۳
- **تغییر ماهیت نزاع:** طی دو دهه آینده خطر نزاع شامل نزاع بین کشورها افزایش خواهد یافت. امری که به نوبه خود از تحول منافع قدرت‌ها، خطر تروریسم، ناپایداری در کشورهای ضعیف و گسترش فناوری‌های مرگبار ناشی می‌شود. عدم تقارن میان نیروها و پیشرفت فناوری خطر جنگ‌افزارهای کشتار جمعی را افزایش خواهد داد. قدرت‌نمایی هسته‌ای کره شمالی و نامعین بودن نیت ایران می‌تواند کشورهای دیگر را به فکر توسعه قابلیت‌های هسته‌ای بیندازد.^۴

1. **Ibid**, pp.14-16.

2. **Ibid**, pp.17-18.

3. **Ibid**, pp.18-19.

4. **Ibid**, pp.20-21.



• **تغییر اقلیم:** تغییر اقلیم، فرسایش خاک، همچنین محیط زیست و مسائل بهداشتی به توجه ویژه نیاز دارد. احتمال مهندسی آب و هوا و کمبود آب برای نیمی از جمعیت جهان از مسائل مهم آینده جهان هستند. بیش از ۳۰ کشور جهان - که حدود نیمی از آنها در خاورمیانه قرار دارند - تا سال ۲۰۳۵ دچار تنش آبی شدید خواهند شد که موجب افزایش تنش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود.^۱

این روندهای جهانی روی هم رفته حکمرانی را دشوارتر خواهد ساخت. روندهای اقتصادی، فنی و امنیتی شمار کشورهایی را افزایش خواهد داد که می‌توانند تأثیر ژئوپولیتیک داشته باشند و بدین ترتیب نظام تک‌قطبی پس از جنگ سرد به پایان خواهد رسید. پیشرفت اقتصادی شمار کشورهایی را که دعوی قدرت دارند افزایش داده است از جمله برزیل، چین، هند، اندونزی، ایران، مکزیک و ترکیه. تمرکز فعالیت‌های اقتصاد جهانی احتمالاً به سوی شرق منتقل خواهد شد. نیرومندترین کنشگران آینده حکومت‌ها، گروه‌ها و افرادی خواهند بود که نسبت به نسل‌های قبل می‌توانند نفوذ خود را به شیوه‌ای سریع‌تر، یکپارچه‌تر و سازگارتر بر توانمندی‌های مادی، روابط و اطلاعات اعمال کنند.^۲

1. **Ibid**, pp.21-25.

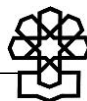
2. **Ibid**, pp.25-28.

بخش دوم - در آینده نزدیک تنش‌ها افزایش می‌یابد

این روندهای جهانی که حکمرانی را با چالش روبه‌رو کرده و ماهیت قدرت را تغییر خواهند داد، در پنج سال آینده پیامدهای زیادی خواهد داشت. این روندها تنش را در همه مناطق و حکومت‌ها افزایش خواهند داد. تنش‌ها در درون کشورها افزایش می‌یابد، زیرا شهروندان پرسش‌هایی بنیادی مطرح می‌کنند در این باره که آنها در یک جهان متغیر می‌توانند از دولت‌های خود چه انتظاراتی داشته باشند. اثر کلی افزایش تنش در داخل کشورها و میان کشورها بی‌نظمی جهانی بیشتر و همچنین تردید پیرامون قوانین، نهادها و توزیع قدرت در نظام بین‌المللی خواهد بود.^۱ در ادامه پیش‌بینی برخی رویدادها در آینده نزدیک برای مهم‌ترین مناطق جهان به اختصار آمده است.

- **اروپا:** اروپا با شک و تردیدها و تنش‌های مضاعفی روبه‌رو خواهد شد، زیرا نهادهای اروپایی توانایی لازم را برای سازگاری با چالش‌های اقتصادی و امنیتی ندارند. ادامه مهاجرت از اروپا و به اروپا، و جمعیت پیر همچنان از مسائل عمده اروپا خواهند بود. برگزیت جنبش‌های منطقه‌ای و جدایی طلب را در دیگر کشورهای اروپایی تشویق خواهد کرد.
- **ایالات متحده:** تضاد طبقاتی و نابرابری درآمد شک و تردیدها پیرامون رؤیای آمریکایی را تقویت خواهد کرد. تضعیف اعتماد به رهبران و نهادها، قطبی شدن فضای سیاسی، تأثیر رباتیک و هوش مصنوعی بر بازار کار از چالش‌های آینده ایالات متحده

1. Ibid, pp.31-32.



خواهد بود. همچنین تردیدی فراگیر پیرامون قدرت نقش آمریکا در رهبری جهان وجود خواهد داشت.^۱

• **چین و روسیه:** اقتصاد چین از سرمایه‌گذاری به‌سوی مصرف داخلی و خدمات حرکت خواهد کرد. روسیه همچنان سیاست استفاده از نیروی هسته‌ای به‌عنوان یک مؤلفه قدرت را دنبال خواهد کرد. چین و روسیه هر دو جهان‌بینی‌هایی را حفظ خواهند کرد که در آنها این دو کشور در مناطق خود دارای سلطه هستند و می‌توانند سیاست‌ها و اقتصاد منطقه‌ای را به سود امنیت و منافع مادی خود شکل دهند. البته همکاری چین و روسیه تاکتیکی بوده است و احتمال دارد به حالت رقابت بازگردد، اگر چین منافع روسیه در آسیای مرکزی را تهدید کند یا پکن به دنبال گزینه‌های دیگری غیر از روسیه برای تأمین انرژی ارزان باشد. به‌علاوه روشن نیست که آیا میان حوزه تأثیر این دو کشور مرز روشن و مرضی‌الطرفینی وجود دارد یا نه. همچنین قدرت اقتصادی رو به رشد هند این محاسبات را پیچیده‌تر خواهد ساخت.^۲

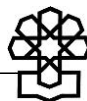
• **خاورمیانه و شمال آفریقا:** تقریباً همه روندهای این منطقه در جهتی نادرست پیش می‌روند. تداوم نزاع و نبود اصلاحات سیاسی و اقتصادی، روند کاهش فقر را تهدید می‌کند. وابستگی به منابع، قیمت پایین نفت و در نتیجه محدودیت یارانه‌ها و پرداخت‌ها از چالش‌های اساسی کشورهای این منطقه برای حل مشکلات اقتصادی است. در این منطقه رسانه‌های اجتماعی به جایی برای ابراز ناامیدی تبدیل شده‌اند. تجربه ایالات متحده در عراق و افغانستان نشان داده است که اجبار و تزریق پول

1. **Ibid**, p.32.

2. **Ibid**, pp.34-36.

نمی‌تواند بر ضعف حکومت غلبه کند. بلکه ساختن یک نظم سیاسی پایدار به فراگیر بودن، همکاری نخبگان و دولتی نیاز دارد که بتواند هم ارتش را در اختیار داشته باشد و هم به مردم خدمات ارائه دهد. گروه‌های دینی مانند اخوان المسلمین و جنبش‌های شیعی و سازمان‌های قومی حول هویت‌گردی ممکن است جایگزین‌هایی برای حکومت‌های ناکارآمد باشند. همچنین باید به ایجاد بی‌اعتمادی در پایتخت‌های عربی و اسرائیل با متمایل شدن ایالات متحده به سوی ایران و فاصله گرفتن از متحدان سنی سنتی و اسرائیل اشاره کرد (توجه داشته باشیم که گزارش شورای اطلاعات ملی ایالات متحده پیش از خروج این کشور از برجام و در اواخر دوره ریاست جمهوری اوباما تنظیم شده است). در این بین احتمالاً قدرت و نفوذ ایران، اسرائیل و شاید ترکیه در میان دیگر کشورهای منطقه افزایش خواهد یافت، اما همچنان با یکدیگر اختلاف خواهند داشت. قدرت فزاینده ایران، توانایی‌های هسته‌ای و رفتار خصمانه آن همچنان دغدغه اسرائیل و کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد بود. ماهیت فرقه‌گرایانه رقابت ایران و عربستان، به این دغدغه‌ها دامن می‌زند.^۱

1. Ibid, pp.37-39.



بخش سوم – سه سناریو برای آینده دور: جزیره‌ها، مدارها، اجتماعات

سه سناریوی جزیره‌ها (Islands)، مدارها (Orbits) و اجتماعات (Communities) در این باره تحقیق می‌کنند که چگونه روندها و گزینه‌های مهم ممکن است مسیرهای مختلف به آینده را بسازند. این سناریوها واکنش‌های مختلف به وضعیت فرار کوتاه‌مدت را در سطح ملی (جزیره‌ها)، منطقه‌ای (مدارها) و فراملی (اجتماعات) بررسی می‌کنند.^۱

سناریو اول – جزیره‌ها

در این سناریو مسائل برخاسته از بازسازی اقتصاد جهانی بررسی می‌شود که به دوره‌های طولانی رشدِ پایین یا عدم رشد می‌انجامد و این فرض را به چالش می‌کشد که الگوهای سنتی کامیابی اقتصادی و توسعه جهانی‌سازی در آینده نیز ادامه‌دار خواهند بود.^۲ بیشتر اقتصاددانان عوامل کلیدی کُند شدن رشد اقتصاد جهانی و معکوس شدن روندهای جهانی‌سازی را چنین برمی‌شمارند: افزایش نابرابری، گسترش هوش مصنوعی، جابه‌جایی الگوهای بازرگانی، افزایش سرقت حقوق مالکیت فکری و حمله‌های سایبری، تغییر شرایط اقلیمی و غیره. در این سناریو کشورها برای دوری از تلاطم‌های بیرونی، دور خود دیوار کشیده و به جزیره‌هایی تبدیل می‌شوند. ناپایداری در بخش‌هایی از آفریقا، خاورمیانه و جنوب آسیا افزایش می‌یابد.^۳

1. **Ibid**, pp. 47-48.

2. **Ibid**, p.50.

3. **Ibid**, p. 51.

شکل ۲. سناریوی جزیره‌ها^۱

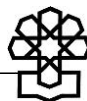


سناریو دوم – مدارها

این سناریو آینده‌ای پُر تنش را بررسی می‌کند که بر اثر رقابت قدرت‌های اصلی بر سر قلمرو نفوذ به وجود آمده است، قدرت‌هایی که البته می‌کوشند در موطن خود پایداری را حفظ کنند. این سناریو بر این موضوع تأمل می‌کند که چگونه روندهای خیزش ملی‌گرایی، تغییر الگوهای نزاع، ظهور فناوری‌های نوین و کاهش همکاری جهانی ممکن است دست‌به‌دست هم داده و خطر نزاع میان کشورها را افزایش دهند.^۲

1. *Ibid*, p. 50.

2. *Ibid*, pp. 54-56.



شکل ۳. سناریوی مدارها^۱



این سناریو بر آن گزینه‌های سیاستی تأکید دارد که پایداری و صلح را تقویت کرده یا تنش‌ها را تشدید می‌کنند. بررسی این گزینه‌ها از طریق خطرات یک مشاور امنیت ملی صورت می‌گیرد که ارزیابی خود را از فضای بین‌المللی در اواخر ریاست‌جمهوری فرضی شخصی به نام اسمیت در سال ۲۰۳۲ مطرح می‌کند.^۲

«در دوران ریاست جمهوری اسمیت شاهد پیشرفت‌هایی بودم که مرا امیدوار کرد که رئیس‌جمهور بعدی جهان را جای بهتری خواهد یافت. اما در زمانی نه چندان دور تنش‌های ژئوپولیتیک چنان افزایش یافته بود که وقوع نزاع میان کشورها قریب‌الوقوع بود.

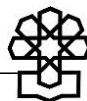
1. **Ibid**, p. 54.

2. **Ibid**, p. 54.

ترکیبی از عوامل مختلف از جمله ارزش‌های متضاد میان کشورهای رقیب، توسعه نظامی، افزایش ملی‌گرایی و فقدان امنیت داخلی به دوره‌ای منجر شد که رقابت میان قدرت‌های اصلی افزایش یافت. در اوایل دهه سوم قرن بیست و یکم، سیاست‌های قطبی و بار مالی حضور ایالات متحده در صحنه جهانی را محدود کرد و این تصور را ایجاد نمود که ایالات متحده به یک دوره طولانی از عقب‌نشینی وارد می‌شود. به‌ویژه چین و روسیه این دوره را به‌عنوان یک فرصت برای دستیابی به نفوذ بیشتر بر کشورهای همسایه در محدوده مدارهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود دیدند. ایران نیز می‌کوشید با استفاده از ناپایداری در خاورمیانه نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد. هند و ژاپن برای مقابله با چین سیاست خارجی مستقل‌تری را در پیش گرفتند. تلاش‌های یک‌جانبه چین برای مهندسی آب و هوا با واکنش‌های شدید جهانی روبه‌رو شد.^۱

«زمانی که هشت سال پیش پرزیدنت اسمیت به قدرت رسید کارشناسان امنیت ملی متفق‌القول بودند که هرچند رقابت ژئوپولیتیکی در حال افزایش بود، اما منافع اقتصادی و سیاسی کشورها را از درگیری نظامی مستقیم باز خواهد داشت. این دیدگاه به نظر درست می‌آمد، زیرا چین، ایران و روسیه از درگیری مستقیم پرهیز کرده و در عوض به دنبال رقابت در سطوح پایین‌تر از قبیل فشار دیپلماتیک و اقتصادی، تبلیغات، حمله سایبری و جنگ‌های نیابتی بودند. رئیس‌جمهور ایالات متحده در نخستین دوره خود تصمیم گرفت که آمریکا دیگر نمی‌تواند ناظر صرف این وضعیت باشد. او به حمایت از

1. Ibid.



متحدان ایالات متحده برخاست و به استفاده فزاینده از نیروی نظامی برای تحقق هنجارهای بین‌المللی مانند آزادی کشتیرانی دست زد.»

«تلاش‌های چین، ایران و روسیه برای آمادگی جهت درگیری‌های نظامی کلاسیک این احساس را در جهانیان برانگیخت که رقابت امنیتی میان این کشورها از یکسو و ایالات متحده و متحدانش از سوی دیگر در حال افزایش است. ما در آن زمان تشخیص ندادیم که پکن، مسکو و تهران در مورد وضعیت داخلی خود به سبب فشار اقتصادی و تنش‌های اجتماعی دارای نگرانی‌هایی بودند. برخورد میان یک زیردریایی خودکار چینی و یک کشتی گارد ساحلی ژاپن، حمله‌های سایبری علیه مراکز مالی اروپایی که به هکرهای روسی نسبت داده شده بود و تهدید ایران مبنی بر استفاده از موشک‌های بالستیک نقطه‌زن علیه تأسیسات انرژی و نمک‌زدایی عربستان سعودی رویدادهایی بودند که فاصله زیادی تا تبدیل شدن به یک جنگ تمام‌عیار نداشتند. یک ابرقارچی در بیابانی در آسیای جنوبی ما را از خواب بیدار کرد. به یاد می‌آورم که بحران هند و پاکستان چگونه آغاز شد. پس از خروج دو طرف از معاهده مرزهای آبی چند انفجار در دهلی اتفاق افتاد که دولت هند بی‌درنگ آنها را به گروه‌های افراطی نسبت داد که در پاکستان مستقر بودند. پاکستان دست داشتن در این انفجارها را رد کرد، اما هر دو طرف به تحرکات نظامی دست زدند. اشتباهات سامانه‌های هوش مصنوعی شرایط را وخیم‌تر کرد و سرانجام برای نخستین بار پس از سال ۱۹۴۵ از یک سلاح هسته‌ای استفاده شد. ایالات متحده با کمک چین توانست قائله را پایان دهد. جایزه نوبل آن سال به طور مشترک به رئیس‌جمهورهای چین و ایالات

متحدہ اعطا شد. جانشین پوتین گام‌های بلندی برای ترمیم روابط روسیه با اروپا و در نتیجه بهبود وضعیت اقتصادی این کشور برداشت»^۱.

سناریو سوم - اجتماعات

این سناریو موضوعاتی را بررسی می‌کند که برآمده از ظرفیت حکومت‌های ملی برای مواجهه با چالش‌های اقتصادی و حاکمیتی آینده است. سناریوی اجتماعات (Communities) بر روندهای مرتبط با تغییر ماهیت قدرت و پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات و خطرهای آنها تأکید می‌کند. این سناریو از زبان شهردار فرضی یکی از شهرهای بزرگ کانادا در سال ۲۰۳۵ روایت می‌شود و به تغییراتی می‌پردازد که او طی دو دهه قبل شاهد آنها بوده است.^۲

«به گذشته که می‌نگرم نقش گروه‌ها در طول و در عرض دولت‌های ملی در زمینه حکمرانی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. مشخص شد که دولت‌های ملی نسبت به دولت‌های محلی از حیث توانایی مدیریت برخی نیازهای عمومی در محیطی که مدام در حال تغییر است کارایی کمتری دارند. به‌علاوه هنگامی که اعتماد عمومی به رهبران دولت‌ها و نهادهای ملی کاهش یافت، خدمات عمومی مهم‌تری خصوصی‌سازی شد. مردم به کار در فضاهای غیردولتی گرایش پیدا کردند. این امر باعث کاهش نظارت دولت و نیز کاهش درآمدها و مالیات‌ها شد.

1. *Ibid*, pp. 55-56.

2. *Ibid*, p.58.



شکل ۴. سناریوی اجتماعات^۱



هرچند سیاست خارجی، عملیات نظامی و دفاع ملی همچنان در اختیار دولت بود، اما جمعیت‌های محلی به‌طور فزاینده‌ای برای تأمین خدمات آموزشی، مالی و امنیتی خود به مسئولان محلی، جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های دینی تکیه کردند. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات اکنون نقشی کلیدی در تعریف هویت و روابط بازی می‌کنند. همچنین پیشرفت زیست‌فناوری در برخی از کشورها به تضاد طبقاتی میان کسانی منجر شد که توانایی اصلاح و ارتقای مصنوعی داشتند و آنها که از این فناوری محروم بودند. در برخی موارد دولت‌ها با هدف از میان بردن بخش‌بندی‌های سیاسی و ناامیدی اجتماعی، بخشی از قدرت خود را به این شبکه‌ها و اجتماعات واگذار کردند.^۲

1. *Ibid*, p.58.

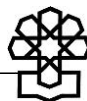
2. *Ibid*, pp.58-60.

بخش چهارم – آنچه سناریوها به ما می‌آموزند: تقویت فرصت‌ها با انعطاف‌پذیری

بررسی روندهای مطرح شده در سه سناریوی بالا این مطلب را روشن می‌سازد که جهان در سال‌های پیش رو ناپایدارتر خواهد بود. حکومت‌ها، نهادها و جوامع از بالا و پایین سطح «دولت - ملت» زیر فشار خواهند بود تا با چالش‌های سیستمی سازگار شوند. از بالا تغییرات اقلیمی، آیین‌نامه‌ها و استانداردهای فناوری و تروریسم بین‌المللی به همکاری چندجانبه نیاز دارد. از پایین ناتوانی حکومت‌ها در برآوردن نیازهای شهروندان، نابرابری و سیاست‌های هویتی خطر ناپایداری را افزایش خواهد داد. واکنش مناسب به این چالش‌ها نه فقط به منابع و ظرفیت کافی، بلکه به اراده سیاسی نیز نیاز دارد. به‌علاوه گستره این چالش‌ها ممکن است از توانایی حکومت‌ها به‌تنهایی و نهادهای بین‌المللی خارج باشد و در نتیجه نقش پُررنگ‌تر فعالان خصوصی و مردم را بطلبد.^۱

سناریوها همچنین این موضوع را برجسته می‌سازند که همان روندهایی که امکان خطر را در کوتاه‌مدت نشان می‌دهند می‌توانند در بلندمدت پیامدهای بهتری داشته باشند اگر افزایش قدرت و شمار بازیگران به ایجاد انعطاف‌پذیری برای مدیریت عدم تعیین و حوادث پیش‌بینی نشده منجر شود. سرنگونی اتحاد جماهیر شوروی و درهم شکستن حاکمیت ملی در بهار عربی نشان می‌دهد که حکومت‌ها ممکن است نقاط ضعفی داشته باشند که معیارهای متعارف قدرت بر آنها احاطه نداشته باشد. حرکت نزولی جهانی‌سازی

1. Ibid, p.65.



نیز که برخی دولت‌ها را به سوی سیاست‌های حمایتی و ملی سوق می‌دهد ممکن است فرصت‌هایی برای افزایش انعطاف‌پذیری و نوآوری در سطوح محلی ایجاد کند.^۱ به نظر می‌رسد سنجش میزان انعطاف‌پذیری یک حکومت در مقایسه با معیارهای سنتی قدرت مادی شاخص بهتری برای تعیین توان سازگاری با بی‌نظمی‌ها و حوادث پیش‌بینی‌ناپذیر آینده باشد. عواملی که انعطاف‌پذیری حکومت‌ها را بهبود خواهد بخشید این موارد را شامل می‌شود:^۲

- **حکومت:** حکومت‌هایی که قادر به فراهم ساختن کالا و خدمات، تقویت شمول سیاسی، برقراری حاکمیت قانون و کسب اعتماد مردم باشند، در موقعیت بهتری برای جذب نوسانات قرار خواهند داشت.
- **اقتصاد:** حکومت‌هایی که دارای اقتصادی متکثرتر، بدهی‌های قابل مدیریت، ذخایر مالی کافی، بخش خصوصی قوی و نیروی کار نوآور هستند، انعطاف‌پذیری بیشتری خواهند داشت.
- **نظام سیاسی:** یک جامعه آماده، یکپارچه و منظم در برابر دگرگونی‌های غیرمنتظره منسجم‌تر و منعطف‌تر خواهد بود و برای سازگاری با تکثر تحمل بیشتری خواهد داشت.
- **زیرساخت:** اگر زیرساخت‌های حیاتی یک کشور شامل منابع متنوع انرژی، ارتباطات امن، سلامت و شبکه‌های مالی استحکام لازم را داشته باشد، آسیب‌پذیری

1. **Ibid**, p.66.

2. **Ibid**, p.67.

کشورها در برابر بلایای طبیعی و نیز اقدامات عمدی در جهت ایجاد اختلال از طریق فضای سایبری کاهش خواهد یافت.

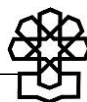
- امنیت: کشورهای دارای ظرفیت نظامی بالا، قانون قوی و مورد اعتماد، روابط خوب میان مردم و ارتش و متحدان قدرتمند احتمالاً در دفاع در برابر حمله‌های غیرمنتظره و بازگرداندن نظم عمومی پس از تلاطم‌های ناگهانی موفق‌تر خواهند بود.
- جغرافیا و محیط زیست: کشورهایی که سرزمین گسترده‌تر، تنوع زیستی بیشتر و غذا، هوا، خاک و آب باکیفیت‌تر دارند در برابر بلایای طبیعی منعطف‌تر خواهند بود.

بخش پنجم – روندهای مناطق مختلف جهان در پنج سال آینده (۲۰۲۲-۲۰۱۷)

در پنج سال آینده شاهد تداوم ناپایداری و تغییرات چشمگیر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی خواهیم بود. هرچند مناطق مختلف جهان با هم تفاوت‌هایی خواهند داشت، اما همه آنها شهرنشینی، مهاجرت و فشارهای ناشی از تغییرات محیطی، فنی و اقلیمی را تجربه خواهند کرد. نارضایتی بسیاری از جوامع را به سوی رهبران پوپولیست و ملی‌گرا سوق خواهد داد.^۱

- شرق و جنوب شرق آسیا: شرق و جنوب شرق آسیا صحنه اصلی همکاری اقتصادی و رقابت ژئوپولیتیک باقی خواهد ماند. در مورد چین عوامل بسیاری عدم قطعیت سیاسی را افزایش می‌دهد: کند شدن رشد اقتصادی، تلاش پکن برای توسعه برتری خود در آسیا، کاهش نیروی کار به دلیل پیری جمعیت و تمرکزگرایی در قدرت. این عدم

1. Ibid, p.87.



قطعیت چشم‌انداز صلح و رفاه را در منطقه تیره‌وتار می‌کند، زیرا چین با اقتصاد جهانی درهم‌تنیده شده است. اعلام حاکمیت چین بر دریای چین جنوبی واکنش‌هایی را در همسایگان برمی‌انگیزد و احساسات ملی‌گرایانه را بیدار می‌کند.

بعید است که نزاع‌های مختلف و بلندمدت آبی و خاکی منطقه در پنج سال آینده حل و فصل شوند. بلکه افزایش تنش‌ها سبب خواهد شد برخی کشورها از ایالات متحده کمک بخواهند که سبب پیچیدگی مکانیسم‌های منطقه‌ای حل مناقشه از قبیل /*اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن)*^۱ خواهد شد. پکن ممکن است چنین فکر کند که «پنجره فرصت راهبردی» چین برای نفوذ بیشتر، در نتیجه افزایش علاقه راهبردی ایالات متحده به این منطقه، تحول سیاست دفاعی ژاپن، رهبری جدید تایوان و رشد حس هویت مستقل، برنامه هسته‌ای کره شمالی و چالش‌های اقتصادی خود چین در حال بسته شدن است.

ژاپن با اتکای بیشتر بر توان داخلی در مسائل بین‌المللی نقشی پُررنگ‌تر خواهد داشت و به یک متحد قوی‌تر ایالات متحده تبدیل خواهد شد. توکیو بخشی از محدودیت‌هایی که پس از جنگ جهانی بر سیاست‌های امنیتی این کشور اعمال شد را کنار خواهد گذاشت. هند احتمالاً در موضوعات امنیتی و اقتصادی شرق و جنوب شرق آسیا نقشی پُررنگ‌تر خواهد داشت، به‌ویژه اگر ارتباط آن با ژاپن همچنان تقویت شود.^۲ اندونزی بزرگ‌ترین جمعیت مسلمان جهان و بخشی از بزرگ‌ترین تنوع زیستی جهان را دارد و می‌تواند نقشی جهانی در زمینه واکنش اسلام به تأثیر شبکه‌های تروریستی بین‌المللی بازی کند. اندونزی و مالزی مانند دیگر کشورهای مسلمان با گسترش اسلام سلفی روبه‌رو

1. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

2. *Ibid*, p. 90.

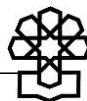
هستند. جابه‌جایی‌های اقتصادی، تغییرات جمعیتی و فشارهای شهری ناشی از مهاجرت به شهرها در کشورهای آسیایی در پنج سال آینده تشدید خواهد شد و به واکنش‌های سیاسی نیازمند است. جمعیت سالمند بر نیازهای بودجه‌ای کشورهای آسیایی خواهد افزود. امنیت آب و غذا و تغییرات اقلیمی از دیگر دغدغه‌های این کشورها خواهد بود.^۱

• **آسیای جنوبی:** دگرگونی‌های شدید داخلی و خارجی پایداری سیاسی و امنیتی آسیای جنوبی را در پنج سال آینده شکل خواهد داد و عوامل مختلفی در این میان تأثیرگذار خواهند بود از قبیل عقب‌نشینی برنامه‌ریزی شده نیروهای بین‌المللی از افغانستان، عمیق شدن روابط میان ایالات متحده و هند، توسعه چین به سمت غرب، تاخت‌وتاز داعش در عراق و سوریه. علی‌رغم مشکلات ماندگار این منطقه از جمله افراط‌گرایی خشونت‌بار و تنش میان قدرت‌های هسته‌ای، نقش جهانی این منطقه در حال تغییر است اگر به گشایش اقتصادی ایران پس از رفع تحریم‌ها و توجه چین به غرب توجه کنیم. هند نیز یکی از عوامل مهم در منطقه محسوب می‌شود. هند ممکن است قربانی موفقیت‌های خود شود، زیرا به‌عنوان مثال تأمین برق برای ۳۰۰ میلیون هندی که اکنون از آن بی‌بهره‌اند چالش‌هایی زیست‌محیطی در پی خواهد داشت. همکاری با بنگلادش، برمه، ایران، نپال و سریلانکا می‌تواند به پایداری و رفاه منطقه کمک کند. بزرگ‌ترین مشکل منطقه همچنان گروه‌های افراطی است که مهم‌ترین منبع درآمد آنها مواد مخدر است.^۲

بخش زیادی از آسیای جنوبی شاهد افزایش چشمگیر در جمعیت جوان خواهد بود که نیاز به آموزش و کار را تشدید خواهد کرد. براساس برخی تخمین‌ها هند به ایجاد بیش

1. *Ibid*, p. 91.

2. *Ibid*, p. 103.



از ۱۰ میلیون شغل در سال نیاز خواهد داشت. آلودگی هوا در کلان‌شهرها، تضاد شدید میان دارا و ندار، دفع زباله‌ها و حاشیه‌نشینی، برخی از معضلات کشورهای جنوب آسیا خواهد بود. فشار زندگی شهری می‌تواند به تنش‌های قومی و مذهبی دامن بزند. خشکسالی و تغییر الگوهای بارندگی از مهم‌ترین چالش‌های اقلیمی منطقه خواهند بود.^۱

• **خاورمیانه و شمال آفریقا:** جنگ‌های داخلی و نیابتی احتمالاً در این منطقه

ادامه خواهد داشت. در وضعیتی که قیمت پایین انرژی نهادها را تضعیف می‌کند، نزاع میان نیروهای مذهبی و سیاسی امری محتمل است. این نزاع‌ها احتمالاً شامل رقابت امنیتی میان ایران، عربستان سعودی، ترکیه، اسرائیل و شاید مصر خواهد بود و می‌تواند چین، روسیه و ایالات متحده را درگیر کند.

چالش اصلی این منطقه رونق رشد و ایجاد شرایط سیاسی و فرصت‌های اقتصادی برای مشارکت جوانان است. آشفتگی‌های اخیر منطقه منجر به توقف دوره قابل توجهی از پیشرفت در کاهش فقر شد. به‌عنوان مثال جمعیت زیر خط فقر در مصر از ۱۲ درصد در ۱۹۸۱ به تنها ۲ درصد در ۲۰۰۵ کاهش یافته بود. همچنین ایران از سال ۱۹۷۹ (پیروزی انقلاب اسلامی) فقر را کاهش و طبقه متوسط و نرخ سواد را افزایش داده است. جنبش‌های انقلابی و ضدانقلابی در مصر، جنگ‌های داخلی در عراق، لیبی، سوریه و یمن و مناقشه اسرائیل و فلسطین هر تلاشی را برای ایجاد فرصت‌های سیاسی و اقتصادی معنادار تضعیف کرده است.

1. *Ibid*, p. 104.

ابزار معمول مدیریت نارضایتی‌های عمومی یعنی یارانه‌های نفتی، با قیمت‌های پایین نفت دچار مشکل می‌شود. بذل و بخشش کشورهای عمده تولیدکننده نفت در خلیج فارس به دیگر کشورها کاهش خواهد یافت که این مسئله موجب افزایش خطر ناپایداری در کشورهایی همچون مصر، اردن، لبنان و تونس خواهد شد.^۱

در پنج سال آینده، ناتوانی کشورها در برآوردن نیازهای امنیتی، آموزشی و شغلی مردم زمینه را برای حرکت‌های رادیکالی خشن فراهم خواهد کرد. مناقشه‌های داخلی و کاهش درآمدهای نفتی به ساختارهای حکومتی منطقه فشار وارد آورده و به کاهش حاکمیت فراگیر و ارائه خدمات منجر می‌شود. وجود این کاستی‌ها در حکومت مرکزی سبب خواهد شد قبیله‌ها و افراد نقشی برجسته‌تر در گفتمان سیاسی بازی کنند. تشکیل شوراهای محلی در کشورهای جنگ‌زده سوریه و لیبی نمونه‌ای از این روند است.

پیشرفت به سوی یک ساختار امنیتی منطقه‌ای به نظر در بهترین شکل به دلیل خشونت‌های فراگیر، جنگ‌های داخلی، خلأهای حاکمیتی و بحران‌های انسانی محدود خواهد بود. این خطر وجود دارد که خشونت‌های شدید در سوریه و شبه جزیره عربستان به تجزیه بیشتر منطقه و سرایت ناآرامی‌ها به اروپا، کشورهای جنوبی صحرای آفریقا و آسیای شرقی، مرکزی و جنوبی منجر شود. همچنین این منطقه در برابر تنش‌های آبی بسیار آسیب‌پذیر است.^۲

ایران، اسرائیل، عربستان سعودی و شاید ترکیه احتمالاً همچنان در کشورهایی از منطقه که دچار ناپایداری هستند دارای قدرت و تأثیرگذاری خواهند بود، اما همچنین با

1. *Ibid*, p.109.

2. *Ibid*, p.110.



همدیگر بر سر موضوعات گوناگون اختلاف خواهند داشت و البته برخی از آنها با چالش‌های داخلی روبه‌رو خواهند بود. قدرت رو به رشد ایران، توانمندی‌های هسته‌ای و رفتار خشونت‌آمیز این کشور همچنان یکی از دغدغه‌های اسرائیل، عربستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد بود.

خطر ناپایداری در کشورهای عربی مانند مصر، الجزایر و عربستان سعودی تقریباً به یقین در بلندمدت افزایش خواهد یافت، به‌ویژه اگر بهای نفت پایین بماند. ریاض در حال انجام برخی اصلاحات اقتصادی و برخی اصلاحات کوچک‌تر اجتماعی و سیاسی است. این تلاش‌ها مهم است و می‌تواند به افزایش ایجاد شغل برای جوانان سعودی بینجامد، اما همچنین ممکن است برای برآوردن انتظارات عمومی بسیار دیرهنگام باشد. دشواری رقابت با کشورهای آسیایی و آفریقایی قوی در امر صادرات و کشورهای توسعه‌یافته، همچنین نامعین بودن وضعیت گذار این کشور پس از شاه سلمان چشم‌اندازهای این اصلاحات را در ابهام فرو می‌برد.

اسرائیل، عربستان و برخی دیگر از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نگرانند که ایران از منابع مالی حاصل از برجام برای افزایش فعالیت‌های منطقه‌ای استفاده کند که پایداری منطقه را برهم می‌زند. این کشورها در بلندمدت نیز و با رفع محدودیت‌های اعمال شده بر فعالیت هسته‌ای ایران همگام با پیشرفت برجام نسبت به رفتار ایران حساس خواهند بود. تنش میان ایران و کشورهای منطقه افزایش خواهد یافت اگر تهران از منابع نظامی و مالی خود برای تقویت خصمانه منافع خود در منطقه استفاده کند یا اگر همسایگان ایران از این موضوع بیمناک باشند که تهران ممکن است به دنبال تداوم قصد خود برای ساخت سلاح هسته‌ای باشد.

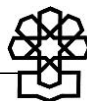
بازگشت سیاست قدرت‌های بزرگ به منطقه با حضور دوباره روسیه، یک نیروی قدرتمند دیگر است که بر دینامیک آینده منطقه تأثیر خواهد گذاشت. پوتین از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۰ در جستجوی اعمال قدرت در منطقه بوده است.

فشار جمعیتی و اقتصادی که در «بهار عربی» خود را نمایان کرد، احتمالاً لاینحل باقی خواهد ماند و فرار مغزها می‌تواند به وخیم‌تر شدن آن کمک کند. بیکاری جوانان و نبود تنوع‌بخشی به اقتصاد، رشد اقتصادی و بهبود شرایط زندگی را در بسیاری از کشورهای منطقه کند خواهد کرد. وضعیت نامناسب منابع آبی و خاکی با گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت و تغییرات اقلیمی بدتر خواهد شد. مدیریت بهتر و رفع تحریم‌ها رشد اقتصاد ایران را شتاب بخشیده است، اما اینکه آیا توسعه اقتصادی به اصلاحات سیاسی خواهد انجامید چندان روشن نیست.^۱

ظهور نسلی از کودکان که از جنگ زخم خورده‌اند و به آموزش یا مراقبت‌های بهداشتی کافی دسترسی ندارند می‌تواند جمعیت‌هایی را ایجاد کنند که در برابر افراط‌گرایی آسیب‌پذیر هستند. ادامه ناپایداری‌ها شرایط را برای زنان از گذشته سخت‌تر خواهد کرد. در این میان جان‌گرفتن دوباره علاقه به سرنوشت کرانه باختری و غزه می‌تواند در میان جمعیت‌های عرب به‌عنوان یک نیروی محرکه عمل کند. در یک نظرسنجی که در سال ۲۰۱۱ انجام شد بیش از ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان در جهان عرب مسئله فلسطین را مسئله تمام اعراب و نه فقط فلسطینی‌ها دانستند.^۲

1. *Ibid*, p.111.

2. *Ibid*, p.112.



با وجود این ممکن است یک سناریوی سودمندتر، اما با احتمال کمتر برای منطقه پیش آید اگر قیمت نفت افزایش پیدا کند. روابط بهتر میان ایران و عربستان می تواند به جنگ های نیابتی پایان داده و به پایدار کردن منطقه کمک کند. یک گفتگوی عمومی واقعی همراه با گونه ای توسعه اقتصادی سازگار با هنجارهای دینی و فرهنگی منطقه می تواند به ناامیدی های نهفته در خیزش های اخیر دنیای عرب پایان دهد.^۱

• **روسیه و اوراسیا:** در پنج سال آینده رهبری روسیه تلاش برای بازیابی جایگاه این کشور به عنوان یک ابرقدرت را از طریق مدرن سازی نظامی، قدرت نمایی هسته ای، حضور در دیگر کشورها و افزایش ملی گرایی ادامه خواهد داد. مسکو در جهان بینی خود همچنان احساس عدم امنیت می کند و هرگاه برای حفاظت از منافع روسیه احساس نیاز کند - مانند سال ۲۰۱۴ در اوکراین - یا برای افزایش نفوذ خود در جهان - مانند مورد سوریه - وارد عمل خواهد شد. این تلاش ها موجب شده پوتین با وجود شرایط دشوار اقتصادی و تحریم ها از حمایت عمومی برخوردار باشد.

این ملغمه از اقتدارگرایی، فساد و ملی گرایی بدیلی را نسبت به لیبرالیسم غربی نشان می دهد که برای بسیاری از خودکامگان برجای مانده جهان جذاب به نظر می رسد. از نگاه مسکو لیبرالیسم با بی نظمی و انحطاط اخلاقی مترادف است و جنبش های حامی مردم سالاری و انتخابات در واقع نقشه های غرب برای تضعیف سنگرهای سنتی نظم و حکومت روسی هستند. عدم امنیت، ناامیدی و بی اعتمادی به نظم لیبرال جهانی تا حدود زیادی در گسترش ناتو و اتحادیه اروپا پس از جنگ سرد ریشه دارد.^۲

1. **Ibid**, p.113.

2. **Ibid**, p.125.

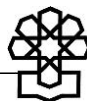
• **اروپا:** طرح اروپای پس از جنگ جهانی دوم در پنج سال آینده به دلیل مهاجرت از خاورمیانه و آفریقا، خیزش ملی‌گرایی، عدم توافق بر سر کارکردها و قدرت اتحادیه اروپا، برگزیت و فشار اقتصادی با مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد. روسیه اروپا را به‌طور مستقیم از راه انتشار اخبار جعلی و حمایت مالی از احزاب ضد اروپا و ضد ایالات متحده تهدید می‌کند. یک محیط پیرامونی ناآرام سبب تداوم ورود شمار زیادی پناهنده و مهاجر به اروپا خواهد شد که توانایی حکومت‌ها و نهادهای اروپا برای واکنش نشان دادن را خواهد کاست و موجب ایجاد تنش میان دولت‌ها خواهد شد. هم‌زمان افزایش نرخ پیری جمعیت کنونی اروپا نیاز به کارگران جدید را افزایش خواهد داد.^۱

مسئله سیاست خارجی ترکیه که به نحو فزاینده‌ای مستقل و چندسویه می‌شود و پیام‌های غیردمکراتیکی که از ترکیه به گوش می‌رسد، دست‌کم در میان‌مدت به جریان‌های مخالف یکپارچگی در اروپا افزوده و برای انسجام ناتو یک تهدید محسوب می‌شود.^۲

• **فضا:** فضا که زمانی عرصه‌ای برای ابرقدرت‌ها بود، اکنون میزبان بازیگرانی است که شمارشان در پنج سال آینده احتمالاً افزایش خواهد یافت. اگرچه تنها ۱۳ مورد از ۷۰ سازمان فضایی دولتی واقعاً دارای توانایی‌های پرتاب هستند، اما بسیاری از کشورها در فعالیت‌های فضایی متعددی مشارکت دارند، از عملیاتی کردن ماهواره‌ها تا فرستادن فضانورد به ایستگاه فضایی بین‌المللی. هم‌اکنون بسیاری از کشورها از طرح‌های علمی پیرامون منظومه شمسی حمایت می‌کنند. هند نخستین کشوری بود که یک کاوشگر را در سال ۲۰۱۴ در مدار مریخ قرار داد. ژاپن، اروپا و امارات متحده عربی نیز برنامه‌های

1. *Ibid*, p.131.

2. *Ibid*, p.132.



فضایی مختلفی را برای آینده دنبال می‌کنند. البته فضا دیگر صرفاً متعلق به حکومت‌ها نیست و شرکت‌های خصوصی نیز برنامه‌هایی برای فرستادن انسان به فضا دنبال می‌کنند. زباله‌های فضایی و نظامی‌سازی فضا از تهدیداتی است که در آینده باید توجه بیشتری به آنها معطوف شود.^۱

بخش ششم - روندهای کلیدی جهانی

روندهای کلیدی جهانی موارد زیر را در بر می‌گیرد:

• **مردم:** در سال ۲۰۳۵ جمعیت جهان بیشتر، مسن‌تر و شهرنشین‌تر از امروز خواهد بود، اما تغییرات در مناطق گوناگون متفاوت خواهد بود. در سال ۲۰۳۵ جمعیت جهان با افزایشی تقریباً ۲۰ درصدی به ۸/۸ میلیارد نفر خواهد رسید، در حالی که متوسط سن جهانی از ۳۰ سال به ۳۴ سال افزایش خواهد یافت. همچنین در سال ۲۰۳۵ سه‌پنجم از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد.^۲

در دو دهه آینده پنج روند جمعیتی این ظرفیت را دارند که به ناپایداری و اصطکاک سیاسی منجر شوند: ۱. کشورهای جوان، ۲. مهاجرت گسترده، ۳. گذار از مراحل جمعیتی، ۴. پیری جمعیت، ۵. رشد تفاوت اکثریت - اقلیت. کشورهایی که از حیث ساختار جمعیتی جوان هستند بیشتر با خطر خشونت سیاسی داخلی روبه‌رو بوده‌اند. کشورهای جوانی که از خشونت سیاسی بلندمدت و ناکارآمدی نهادی رنج می‌برند - همان‌گونه از چهار دهه

1. **Ibid**, pp.157-158.

2. **Ibid**, p.161.

گذشته پیداست - با خطر مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روبه‌رو هستند. کشورهای جوانی که دچار نزاع و درگیری می‌شوند همواره منبع مهاجرت‌های گسترده بوده‌اند و این واقعیت تا سال ۲۰۳۵ نیز بر کشورهای مقصد فشار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زیادی وارد خواهد کرد. البته مهاجرت نیروی انسانی متخصص و کارآموده به کشورهای مبدأ نیز ضربه خواهد زد.^۱ به‌عنوان مثال ترکیه، لبنان و اردن همچنان با مشکل مهاجرت از کشورهای جنگ‌زده روبه‌رو خواهند بود. اگر درگیری‌ها در عراق، سوریه، افغانستان و پاکستان فروکش نکنند، ایران باید پذیرای مهاجران بیشتری باشد.^۲

در کشورهایی که دارای قومیت‌ها و فرهنگ‌های متنوع هستند، شکاف در نرخ رشد می‌تواند اختلاف‌های سیاسی و اجتماعی را میان اعضای گروه اکثریت که به آموزش و رفاه بهتر دسترسی دارند از یکسو و اقلیت‌های دینی و فرهنگی که نوعاً نرخ باروری بالاتری دارند یا رشد جمعیت آنها به‌واسطه مهاجرت تقویت می‌شود، ازسوی دیگر، تشدید کند. محدود کردن مشارکت سیاسی و اقتصادی و فرصت‌های آموزشی گروه‌های اقلیت و تفکیک محل اقامت آنها از اکثریت، می‌تواند شکاف‌های جمعیتی و رفاهی را ژرف‌تر ساخته و تنش‌ها را بدتر کند. به‌عنوان مثال رشد سریع جمعیت گردها در جنوب شرقی ترکیه می‌تواند به یک قدرت انتخاباتی برای آنها تبدیل شود.^۳

1. **Ibid**, p.163.





2. **Ibid**, p.164.

3. **Ibid**, p.165.



شکل ۵. تغییرات ساختار سنی در کشورهای مهم^۱

تغییرات ساختار سنی در کشورهای مهم از ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۵

ساختار سنی (سن متوسط)	پیش‌بینی ۲۰۱۵				پیش‌بینی ۲۰۳۵			
جوان (۲۵ یا کمتر) 	Niger	14.8	Kenya	18.9	Niger	15.7	Afghanistan	24.3
	Uganda	15.9	Iraq	19.3	Uganda	18.9	Ethiopia	24.3
	Democratic Rep. of the Congo	16.9	Yemen	19.3	Democratic Rep. of the Congo	19.4	Yemen	24.5
	Afghanistan	17.5	Pakistan	22.5	Nigeria	20.0		
	Nigeria	17.9	Egypt	24.7	Iraq	21.9		
	Ethiopia	18.6			Kenya	22.6		
متوسط (۲۵ تا ۴۵) 	South Africa	25.7	Turkey	29.8	Pakistan	26.8	Venezuela	33.6
	India	26.6	Israel	30.3	Egypt	27.2	Mexico	35.1
	Mexico	27.4	Vietnam	30.4	South Africa	30.2		
	Venezuela	27.4	Tunisia	31.2	Israel	32.5		
	Indonesia	28.4	Brazil	31.3	India	32.8		
	Iran	29.5			Indonesia	33.2		
بالغ (۴۵ تا ۶۵) 	China	37.0	Canada	40.6	Turkey	37.0	New Zealand	41.0
	Australia	37.5	South Korea	40.6	Tunisia	38.0	UK	42.7
	New Zealand	38.0	Cuba	41.2	Vietnam	39.0	France	43.3
	US	38.0	France	41.2	Brazil	39.3	Russia	43.6
	Russia	38.7	Spain	43.2	Australia	40.6	Canada	44.4
	Poland	39.6			US	40.8	China	45.7
	UK	40.0			Iran	40.9		
بالتر از بالغ (۴۶ یا بیشتر) 	Germany	46.2		Cuba	48.0	Japan	52.4	
	Japan	46.5		Poland	48.2			
					South Korea	49.4		
					Germany	49.6		
					Spain	51.5		

1. Ibid, p.162.

افزایش شهرنشینی بدون توسعه اقتصادی کافی و بدون توجه به پایداری محیطی به فقر و شرایط نامناسب زندگی می‌انجامد. برنامه‌ریزان شهری و دولت‌ها باید به فکر ایجاد زیرساخت‌ها، حمل و نقل، انرژی، آب و هوای پاکیزه، غذای سالم و سلامت و بهداشت شهرنشین‌ها باشند.^۱

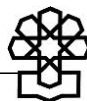
• **شیوه زندگی مردم:** تغییرات طبیعی و بشری در بسیاری از زیست‌بوم‌های زمین در طول دهه‌های پیش رو به احتمال زیاد انعطاف‌پذیری سیاره را تضعیف و انسان‌ها را با مخاطرات و نیازهای جدید بهداشتی، غذایی، آبی و زیرساختی روبه‌رو خواهد کرد. با گرم‌تر شدن، اسیدی‌تر شدن و افزایش آلودگی اقیانوس‌ها، تنوع زیستی آنها کاهش خواهد یافت.^۲ تغییرات اقلیمی، افزایش سطح دریا و اسیدی شدن اقیانوس‌ها می‌تواند فشارهایی را که هم‌اکنون از ناحیه رشد جمعیت، حفاظت ناکافی از محیط زیست و استفاده از منابع طبیعی احساس می‌شود، تشدید کند. تهدیدهای محیطی غیرمستقیم در قالب عدم امنیت غذایی، سوءتغذیه و کاهش کیفیت آب و هوا بروز خواهد کرد. نهادهای دولتی و غیردولتی باید برای مواجهه با این مخاطرات آماده باشند.^۳

• **شیوه‌های نوآوری مردم:** توسعه فناوری و بهره‌گیری از آن، آنجا که ابزارها و فنون در دسترس همگان قرار می‌گیرد سریع خواهد بود. فناوری‌های پیشرفته اطلاعات و ارتباطات همه چیز را از خودروها گرفته تا ساخت و تولید تغییر داده است و برخی کارشناسان فناوری بر این باورند که پیشرفت در زیست‌فناوری و نانومواد یک نقش

1. **Ibid**, p.166.

2. **Ibid**, p.169.

3. **Ibid**, pp.170-171.



کاتالیزوری مشابه در دهه‌های آینده بازی خواهد کرد.^۱ هوش مصنوعی و رباتیک این ظرفیت را دارند که به تغییر فناوری شتاب بی‌سابقه‌ای ببخشند و برخی کارشناسان نگرانند مبدا اقتصادها، جوامع و افراد فرصت کافی برای تطبیق خود با این شتاب را نداشته باشند. خودروهایی که به راننده نیاز ندارند، احتمالاً غم‌انگیزترین مثال تغییر در بازار کار در کوتاه‌مدت است.^۲ در زمینه توسعه زیست‌فناوری و دستکاری ژنتیکی محصولات کشاورزی و غذایی نیز هنوز نگرانی‌های اخلاقی، سیاسی و اقتصادی زیادی وجود دارد.^۳

عقیده کارشناسان پیرامون تأثیر فناوری‌های نوین بر بهره‌وری و رشد اقتصادی یکسان نیست. برخی از کارشناسان معتقدند جهان در آستانه یک انقلاب فناورانه در بهره‌وری قرار دارد در حالی که دیگران بر این باورند که فناوری‌های دیجیتالی نوین تاکنون تأثیری اندک بر حمل و نقل و انرژی داشته است.^۴

• رونق اقتصادی: دولت‌ها احتمالاً تمایل خواهند داشت به اقدامات حمایتی

بازگردند، هنگامی که چالش‌های واقعی یا احتمالی اقتصاد ترس و عدم قطعیت عمومی ایجاد می‌کند. حفظ یکپارچگی اقتصادی به طور قریب به یقین از حیث سیاسی دشوار خواهد بود و برداشتن گام‌های جدید برای گشایش و اصلاح بازارها شجاعت بیشتری نیاز خواهد داشت. اینکه کشورها چگونه به مدیریت تجاری‌سازی فناوری‌های نوین می‌پردازند به طور مستقیم بر موفقیت اقتصادی و پایداری اجتماعی تأثیر می‌گذارد. دگرگونی‌های فناورانه به شرکت‌ها قدرت بیشتری برای دستیابی به شرایط کسب‌وکار مطلوب اعطا

1. **Ibid**, p.175.

2. **Ibid**, p.177.

3. **Ibid**, p.178.

4. **Ibid**, p.181.

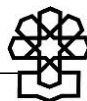
می‌کند. برای بیشتر کشورها بهترین فرصت برای رونق اقتصادی، افزایش مشارکت شهروندان در بازار کار خواهد بود، به‌ویژه برای جوامعی که میزان اشتغال زنان پایین است و شمار زیادی از روستاییان در اقتصاد رسمی مشارکت ندارند.^۱

• **شیوه تفکر مردم:** اندیشه‌ها هویت‌های وجودی ما را تعریف می‌کنند، باور مردم پیرامون خود و نقش آنها در جهان را بازتاب می‌دهند. باورها تعیین می‌کنند چه کسی به یک اجتماع، گروه، جامعه، حکومت، فرهنگ و تمدن تعلق دارد. گسترش دسترسی به اینترنت می‌تواند هویت‌های جهانی و فراملی را برجسته سازد. در سراسر جهان حس بیگانگی و نابرابری به دلیل بی‌عدالتی‌های مشهود، نبود فرصت‌ها و تبعیض تشدید می‌شود. با پیشرفت اتوماسیون بسیاری از مردم ممکن است احساس فقدان معنا داشته باشند.^۲ طی ۲۰ سال آینده اطلاعات و اندیشه‌ها آسان‌تر از مرزها گذر خواهند کرد. پیش‌بینی می‌شود که اصطکاک میان گروه‌های مذهبی و میان اجتماعات مذهبی و سکولار در بسیاری از مناطق جهان افزایش یابد. بیش از ۸۰ درصد جمعیت جهان گرایش‌های دینی دارند و باروری بالا در جهان در حال توسعه این نسبت را افزایش خواهد داد. آنگاه که برخی گروه‌های مذهبی بیش از پیش از حکومت‌ها می‌خواهند دین و ارزش‌ها را در قوانین و مقررات لحاظ کنند، تنش اجتماعی و سیاسی می‌تواند شعله‌ور شود. رقابت ژئوپولیتیکی یک چرخش ایدئولوژیکی قوی خواهد داشت.^۳

1. **Ibid**, p.189.

2. **Ibid**, p.192.

3. **Ibid**, p.193.



• **شیوه حکمرانی مردم:** حکومت‌ها با دشواری‌های فزاینده‌ای در زمینه امنیت و رفاه روبه‌رو خواهند شد که به نوبه خود سبب طرح این پرسش می‌شود که آیا دادوستدهای تاریخی میان جامعه و حکومت باقی خواهد ماند. این عدم قطعیت و کاهش شدید اعتماد به حکومت‌ها می‌تواند سبب شود نظام‌های موجود در برآوردن نیازهای عمومی و رویارویی با مسائل فرامرزی با مشکل مواجه شوند. یک مطالعه در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که میزان اعتماد به دولت‌های ملی در دهه گذشته در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۳/۳ درصد کاهش یافته است. براساس یک مطالعه دیگر که نتایج آن در سال ۲۰۱۶ منتشر شد، تنها ۴۲ درصد از آمریکایی‌ها به میزان بالا یا میزان قابل توجهی به رهبران سیاسی کشور خود اعتماد داشتند. دموکراسی در بسیاری از نقاط جهان تحت فشار است. بسیاری از حکومت‌ها نهادهای لیبرال و دموکراتیک را با تمایل خود به حفظ کنترل در تناقض می‌بینند. حتی در دموکراسی‌های ریشه‌داری مانند انگلستان و ایالات متحده نیز نشانه‌هایی از قطبی‌سازی و زوال دیده می‌شود.^۱ توانایی کشورهای در حال توسعه برای پیشرفت اقتصادی و استقرار نظام‌های سیاسی پایدار به این بستگی دارد که حکومت‌ها و دیگر فعالان تا چه اندازه در سرمایه انسانی و فراهم‌سازی خدمات عمومی سرمایه‌گذاری می‌کنند.^۲

نهادهای بین‌المللی به‌ویژه نهادهای سازمان ملل با چالش‌سازی با شمار رو به افزایش کنشگران و پیچیدگی مسائل جدید روبه‌رو خواهند بود. نبود نگاه مشترک میان قدرت‌های اصلی و رقابت میان قدرت‌های نوظهور انجام اصلاحات عمده در نظام بین‌الملل

1. *Ibid*, p.201.

2. *Ibid*, p.206.

را مانع خواهد شد. هرچند همگان معتقدند که شورای امنیت سازمان ملل به اصلاحات نیاز دارد، اما پیرامون ماهیت این اصلاحات توافقی وجود ندارد.^۱ گرچه بسیاری از نهادهای بین‌المللی رسمی به‌طور فزاینده در اشکال گوناگون همکاری مشارکت خواهند کرد، اما احتمال اینکه در ۲۰ سال آینده این تغییرات الگوی «هر کشور یک رأی» را به چالش بکشد پایین است. ثابت شده است که دولت حاکمه به‌عنوان سنگ بنای تصمیم‌گیری بین‌المللی بسیار انعطاف‌پذیر است. علی‌رغم تغییرات ۵۰۰ سال گذشته، دولت همچنان عنصری کلیدی در نظم سیاسی باقی مانده و احتمالاً باقی خواهد ماند. با وجود تهدیدهای فنی و اجتماعی در بیست سال آینده بعید به نظر می‌رسد گزینه کاملاً متفاوتی برای رویکرد کنونی به حکمرانی بین‌المللی وجود داشته باشد. بنابراین سخن چندان از «حکومت جهانی» به گوش نخواهد رسید.^۲

• **شیوه‌های جنگ:** در بیست سال آینده خطر درگیری میان کشورها و در داخل کشورها به دلیل منافع متضاد قدرت‌های اصلی، تهدیدهای تروریستی، ناپایداری در کشورهای ضعیف و گسترش فناوری‌های مرگبار افزایش خواهد یافت. همچنین ویژگی‌ها و مفهوم جنگ و نزاع به‌دلیل پیشرفت فناوری، راهبردهای نوین و وضعیت ژئوپولیتیک جهان تغییر خواهد کرد. جنگ‌های آینده متکثرتر و پراکنده‌تر بوده و با ایجاد اختلال بیشتر در زیرساخت‌های حیاتی، همبستگی اجتماعی و کارکردهای دولتی همراه خواهد بود.^۳

1. **Ibid**, p.207.

2. **Ibid**, p.208.

3. **Ibid**, p.215.

شکل ۶. ماهیت متغیر جنگ^۱

شیوه‌های سنتی جنگ	شیوه‌های نوظهور جنگ
بهره‌گیری از نیروی نظامی	افزایش بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی و پنهان
هدف‌گرفتن نیروهای دشمن	هدف‌گرفتن باورها و جامعه دشمن
روبارویی مستقیم ارتش‌ها	حمله از راه دور با موشک‌های نقطه‌زن، سامانه‌های روباتیک و حمله‌های اطلاعاتی
نابودکردن نیروها و تجهیزات نظامی	نابودکردن زیرساخت‌های حیاتی نظامی و غیرنظامی
بازدارندگی به‌وسیله ترس از اقدام تلافی‌جویانه	بازدارندگی به‌وسیله ترس از تشدید درگیری
پیروزی از راه شکست دشمن در میدان نبرد	پیروزی از طریق ایجاد اختلال در سامانه‌های حمایتی (سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و غیره) که ارتش دشمن بدان متکی است

شیوه واکنش بازیگران منطقه‌ای به تحولات ژئوپولیتیکی و چالش‌های امنیتی آینده، مانند تروریسم فراملی، خشونت فرقه‌ای، جنگ داخلی و حکومت‌های ضعیف به رقابت‌های میان کشورها و امکان درگیری گسترده‌تر در دو دهه آینده شکل می‌دهد. چین، ایران و روسیه احتمالاً به دنبال نفوذ بیشتر در مناطق همسایه خود خواهند بود و از ایالات متحده و دیگر کشورها خواهند خواست از مداخله در منافع آنها جلوگیری کنند.^۲

1. *Ibid*, p.221.

2. *Ibid*, p.220.

منبع و مأخذ

-National Intelligence Council, *Global Trends: The Paradox of Progress*, January 2017, www.dni.gov/nic/globaltrends.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۸۵۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: روندهای جهانی و سناریوهای آینده در گزارش شورای اطلاعات
ملی ایالات متحده (خلاصه راهبردی)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه مطالعات بنیادین حکومتی)
تهیه و تدوین: طالب جابری
ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

واژه‌های کلیدی:

۱. شورای اطلاعات ملی ایالات متحده
۲. روندهای جهانی
۳. سناریو
۴. آینده جهان
۵. جزیره‌ها
۶. مدارها
۷. اجتماعات



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹